

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشهد مقدس

زیارت امام رضا علیه السلام – ۸۷/۱/۶

اهمیت زیارت امام رضا علیه السلام

در مفاتیح در آداب زیارت حضرت رضا علیه السلام وارد شده است: «هفتم». یعنی چند ادب و دستور وجود دارد که هفتمین آن این است که:

«منقول است محمد بن سلیمان - یکی از راویان - از امام محمد تقی علیه السلام پرسید که شخصی حج واجب خود را رفته، مدینه، نجف، کربلا و کاظمین را هم زیارت کرده است. خدا

آنقدر مال به او روزی کرده است که باز می‌تواند حج تمتع بجا آورد، حال برای این مرد بهتر است حج دوم مشرف شود یا امامی را که زیارت نکرده است یعنی پدر شما را برود و زیارت کند؟ حضرت فرمود: برود به زیارت پدر من.»

علت اهمیت زیارت ائمه

معلوم می‌شود وقتی حج واجب انجام گرفت بعد از آن باید زیارت ائمه را بیشتر اهمیت داد. این اهمیت به خاطر یک مساله توحیدی و عقیدتی است. چرا که در اسلام دین به وسیله ائمه اطهار معرفی می‌شود نه به وسیله سایر کسانی که مدعی اسلام شناسی هستند. از این جهت آن اسلامی که از طرف هر دانشمند منصفی که با انصاف فکر می‌کند پذیرفته می‌شود، به وسیله ائمه معرفی می‌شود. بنابراین کسانی که با ائمه ما آشنایی ندارند نمی‌توانند مبلغ اسلام باشند. در هر جایی که تبلیغ کردند به وسیله جنگ و

شمشیر و زور بوده نه به وسیله علم و تفسیر قرآن و اخلاق و... . چون معلم آنها مثل خودشان افراد نادانی بودند که علم رسالت به آنها از طریق الهامات و ورثه پیامبر بودن نرسیده است. یک چیزهایی شنیدند و حفظ کردند و شدند راویان حدیث، در صورتی که اگر از آنها در مورد مسائل دینی سوال شود می گویند: نمی دانیم. مثلاً یکی از ائمه اهل سنت مالک بن انس و دیگری امام وهابی ها، احمد بن حنبل است. اگر از آنها از مسائل دینی سوال شود که نیاز به استدلال و عقل داشته باشد می گویند اینها ممنوع است و نباید از آنها صحبت کرد. هرچه صحابه گفتند همان درست است و ما باید بپذیریم. اما استدلال و فهم و درک و ... وظیفه ما نیست. وقتی اینگونه اسلام را معرفی کردند مردم دیگر انگیزه پیدا نمی کنند که بیایند یک دینی را که بر اساس ما نمی دانیم و نمی فهمیم معنا می شود قبول کنند.

فایده زیارت ائمه

اما زیارت ائمه این خاصیت را دارد که وقتی شنیدند که در مشهد مقدس مثلاً دو، سه یا پنج میلیون زائر آمده است می‌پرسند: مگر چه خبری در مشهد است؟ می‌گوییم: در مشهد مقدس یکی از خاندان رسالت مدفون است. می‌پرسند: فایده‌اش چیست که بارگاه او را زیارت کنیم؟ می‌گوییم: وقتی ما به مشهد می‌رویم با حقایقی که در دین به وسیله آنها بیان شده است آشنا می‌شویم و از طریق آنها توحید، نبوت، امامت، عدل و قیامت را می‌فهمیم. ولی رفتن به زیارت دیگران فقط دور قبر راه رفتن است و از اینکه اسلام را برای ما روشن کرده و مشکلات ما را حل بکنند خبری نیست. اگر هم بکنند از پیش خودشان و با فکر خودشان است نه از علوم نبوی که به آنها به ارث رسیده باشد. به همین خاطر است که ائمه خیلی تشویق به زیارت حضرت رضا علیه السلام کرده‌اند و حتی فرموده‌اند این قطعه مبارک قطعه‌ای از بهشت است و

خود ایشان هم فرموده‌اند من ضامن هستم که اگر کسی به زیارت من بیاید در کارهای مشکلی که بعد از مرگ در پیش دارد تلافی می‌کنم. روایتی هم در این مورد نقل شده است.^۱

علت اهمیت زیارت امام رضا علیه السلام

چون امروز روز تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است روایتی را از شیخ صدوق از کتاب عیون اخبار الرضا نقل می‌کنیم. شخص صالحی در خواب به محضر پیامبر اکرم مشرف شد و عرض کرد که کدام یک از فرزندان شما را زیارت کنم؟ فرمودند: بعضی از فرزندان من در حالی که شهید شده‌اند پیش من می‌آیند و برخی هم در حالی که مسموم شده‌اند.

۱- قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ زَارَنِي عَلَى بَعْدِ دَارِي وَ شَطُونِ مَزَارِي آتَيْتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخَلِّصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَ شِمَالًا وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ. (کامل الزیارات، ص ۳۰۴)

عرض کردم کدام یک را در زیارت مقدم کنم؟ فرمودند: آنکه قبر او به محل زندگی تو نزدیکتر است و در زمین غربت دفن شده است. عرض کردم یا رسول الله منظور شما رضاست؟ تا گفتم رضا فرمودند:

بگو: صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ. صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ. صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ.

سه مرتبه حضرت این احترامی که برای خودشان هست را برای او قرار دادند. بنابراین حضرت رضا علیه السلام نماینده پیامبر اسلام، در معرفی اسلام است، و رمز آن هم این است که در زمان دیگر ائمه، دولت‌ها از این که ائمه حقایق را بیان بفرمایند جلوگیری می‌کردند، اما در زمان حضرت رضا علیه السلام خلیفه ملعون، مامون به نظرش رسید که فضای تبلیغات علمی را برای آن حضرت آماده کند، و علمای دیگر ادیان و مذاهب را جمع کند شاید آن حضرت در یک قسمت از علوم عاجز بماند، و به نفع آنها تمام شود تا به شیعیان بگویند که

ائمه هم علوم زیادی ندارند و حضرت رضا علیه السلام هم مثل مأمون می ماند، که هر یک بخشی از علوم را می دانند. و از این راه بتوانند خودشان را به عنوان علماء و بزرگان دینی معرفی بکنند. حضرت هم از همین سیاست او بهره برداری کردند و تمام مسائلی که مطرح می شد را پاسخ می دادند و استدلال هم بیان می کردند. این است که یکی از لقب های آن حضرت «عالم آل محمد»، یعنی مبلغ دین اسلام در بین ائمه است و آن هم به خاطر فرصتی بود که برای آن حضرت پیدا شد.

حکمت و خیر کثیر

بعد از انقلاب، برای آن حضرت در مشهد مقدس یادبودی گرفته شد و دانشمندان و اساتید مقالاتی درباره آن حضرت نوشتند و در آنجا قرائت کردند. استاد جوادی

آملی حفظه الله هم رساله‌ای به نام «فلسفه الهی از منظر امام رضا علیه السلام» نوشتند. در مقدمه آن آمده است:

در آغاز، بنده محتاج به درگاه پروردگار
بخشنده‌اش، عبدالله جوادی طبری آملی، می‌گوید:
نوشتار حاضر خلاصه‌ای است در موضوع فلسفه
الهی از دیگاه سید و مولایمان، امام هشتم
حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، پیشوایی که
خدای متعال حکمت و فصل الخطاب به او
ارزانی داشت.

همه ائمه حکمت را داشتند اما فرصت پخش و گفتن آن
را نداشتند.

چنان که به پدران‌ش، هفت امام معصوم پیش از
ایشان و فرزندان‌ش یعنی چهار امام معصوم پس از
ایشان، چنین خیر کثیری را عطا کرد.

خیر کثیر ترجمه آیه قرآن است که خداوند می‌فرماید:

«وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»^۱

حکمتی که به معنای شناخت جهان و انسان و
معرفت به دستگاه خلقت و آفرینش است، خیر کثیر
است. همه نعمت‌ها خیر است، چشم ما، گوش ما، ریه ما،
بدن سالم ما، اموال ما، زمین ما، اما خیر کثیر در قرآن به
حکمت گفته شده است، یعنی شناخت موجودات که انسان
در بین حیوانات این امتیاز را دارد که حیوانات از جهان
استفاده می‌کنند بدون اینکه بدانند جهان چیست؟ چگونه

است؟ این نظام و خودشان چگونه برپا شده است؟ خودشان چگونه ایجاد شده‌اند؟ صاحب آنها کیست؟ علفی که می‌خورند چگونه به دست می‌آید؟ اینها را نمی‌دانند، زمینی که در آن راه می‌روند، می‌دوند، بازی می‌کنند، توالد و تناسل می‌کنند، کره است؟ مربع یا مسطح است؟ چگونه پیدا شده است؟ اینها اصلاً نیروی فهمش را ندارند، لذا خیر کثیر، آن است که برای فردی همه این مسائل حل شود، یک جهانی بشود در گوشه‌ای.

هر آن کس ز دانش برد توشه‌ای

جهانی است بنشسته در گوشه‌ای

یک جهان کوچکی است، مثل اینکه یک فیلم کوچکی از یک کتاب بگیرند، مثل یک کتابی که مطالب آن را در یک شیء کوچکی جمع کنند و در جیب بگذارند، این فرد همان کتاب است اما به صورت مختصر. انسان هم وقتی جهان را بشناسد و بفهمد اولش چگونه بوده؟ آخرش چگونه خواهد

شد؟ الان جهان بر چه میزانی در حال حرکت است؟ این ابر و باد و باران و زمین و آسمان و خورشید و کهکشان طراحی‌شان چگونه است؟ چگونه به وجود آمده و چگونه خواهد شد؟ اگر اینها را انسان بفهمد سودش از همه خیراتی که از خدا بگیرد بیشتر است. لذا استاد جوادی می‌فرماید خدا به آن حضرت و اجداد هفت گانه‌اش و فرزندان چهار گانه‌اش، این امتیاز را داده است. چرا؟

چون آنان یکی از دو ثقل (چیز گران بهاء) هستند، که رسول خدا در میان امت به ارث گذاشت.

فرمود: من پس از خودم دو چیزی که مایه هدایت و سعادت و عزت شماست و از هم جدا نمی‌شوند را باقی می‌گذارم، یکی از آنها خود قرآن و علوم قرآنی است و یکی

هم افرادی از خاندانم هستند که این علوم به آنها ارث می‌رسد.

ارث مردم پولدار ملک و مال و ماشین است، ولی ارث انبیاء و پیامبر اکرم تفسیر و فهم قرآن است که اگر این دو ثقل از یکدیگر جدا شوند قرآن از خاصیت خودش می‌افتد، برای اینکه در فهمش مردم عاجز می‌شوند، نمی‌دانند این آیه به چه مناسبت نازل شده؟ و مفادش چیست؟ و متحیر می‌مانند. یا اگر کسانی دنبال عترت را بگیرند و بگویند ما مرید اینها هستیم ولی از علم تفسیرشان به ما برسد یا نرسد مهم نیست، آنها نیز عترت را از تفسیر قرآن جدا کرده‌اند. پیامبر می‌فرماید این دو از هم جدایی ندارند، با هم هستند که باعث هدایت می‌شوند.

اگر می‌گذاشتند پس از پیامبر این دو ثقل در کنار هم باقی بمانند، الان دنیا دنیای دیگری بود، اصلاً اگر تمام دنیا را زیر و رو می‌کردید، یک ظلم و کینه و آزار پیدا نمی‌کردید.

چون ائمه همراه علمی که از قرآن به آنها ارث رسیده روی کار می‌آمدند و مملکت و سیاست و اجتماع و اقتصاد و ... را با علوم خودشان می‌ساختند. لذا دنیا اصلاح می‌شد، نه اینکه مثلاً مثل یک دولتی با شمشیر به مردم حمله بکنند و بگویند بیا بیاید مسلمان شوید. طرف نمی‌داند اسلام چیست، اما به او می‌گویند بیا مسلمان شو و گرنه کشته می‌شوی! این بود که اسلام دچار این ضعف شد. این است که استاد جوادی آملی می‌فرماید:

میراثی که اگر مردم به آن تمسک جویند، هرگز گمراه نمی‌شوند. آن دو یادگار گرانبها (قرآن و عترت طاهره علیهم السلام) هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند.

یعنی نمی‌توان گفت ما پیروان قرآنیم و قرآن را در بهترین چاپخانه‌های دنیا چاپ می‌کنیم، حتی با طلا و زر و

زیور آرایش می‌دهیم و قرآن داری همین است، نه! این قرآن
الفاظی مبارک و محترم است، در حالی که مفاد و قوانینش
معلوم نیست. احترام به قرآن سر جایش هست اما نتیجه
گیری از آن معلوم نیست.

بارگاه امام شعبه‌ای از بهشت لقاء

این اثر را به مناسبت کنگره جهانی بزرگداشت
میلاد حضرت رضا علیه السلام در یازدهم ذی‌القعدة
الحرام سال ۱۴۰۴ نوشتم. محل برگزاری این کنگره
جوار مرقد منور ایشان بود. بارگاهی که شعبه‌ای
از جنة‌اللقاء است و خداوند مردم را به زیارت
مشتاقانه این بارگاه فرمان داده است.

جنة‌اللقاء یعنی بهشت زیارت، بهشت ملاقات. ما در آتیه
که ان شاء الله به آن دنیا رفتیم، با یک ساختمان‌ها و

دستگاه‌هایی غیر از جنس دستگاه‌های دنیا روبرو می‌شویم که اسم آنها بهشت و جنت است. درخت و باغ و آب و چشمه و خدمت‌گزاران آن از جنس چیزهایی که در دنیا دیده‌ایم نیست، یک جور دیگر است. خود ما هم در آنجا از جنس این بدن نیستیم. امور دنیایی مثل خواب، خوراک، کثیف شدن، حمام و شستشو لازم داشتن، دیگر در آنجا وجود ندارد. خداوند وضع ما را در آنجا به گونه دیگری آفریده است، به چنین جایی بهشت می‌گویند. منتهی بهشت چند جور است: بهشت نعمت و میوه و آب و باغ و حورالعین، و بهشت دیگر بهشت صفات الهی و بهشت لقاء الهی که برای درجات بالاتر است و ائمه ما در آن درجات لقاء قرار دارند. آن وقت این بارگاه نماینده آن بهشت لقاء است، نه نماینده آن بهشت چشمه و آب و خوراک.

بارگاهی که شعبه‌ای از جنة اللقاء است.

لذا وقتی فرمود اینجا شعبه‌ای از بهشت است یعنی هر کس در اینجا با شناخت مشرف بشود در آنجا هم وارد جنة اللقاء می‌شود، نه جنتی که برای معمول مردم است بلکه بهشت بالاتر قسمت او می‌شود.

و خداوند مردم را به زیارت مشتاقانه این بارگاه فرمان داده است. زیرا حضرت رضا (علیه السلام) از تبار بهشت رضوان است.

بهشت رضوان یعنی بهشت صفات خدا یعنی بالاترین مقاماتی که حضرت ابا عبدالله علیه السلام به هنگام شهادت آن را اظهار کرد که خدایا من راضی هستم به رضای تو؛ حضرت رضا علیه السلام هم نماینده یک چنین صفات کمالی از جانب جدش است.

در ادامه آیت الله جوادی به خاطر اینکه سخن از بهشت لقاء و رضوان حضرت رضا علیه السلام است و ما به برکت او می‌توانیم به چنین درجاتی که از درجات فرشته‌ها هم بالاتر است برسیم، می‌فرماید:

این کتاب را در یک فصل به نام «بهشت» و چندین فصل دیگر به نام «بوستان» سامان داده‌ام در «بهشت» به بیان معنای فلسفه الهی و ضرورت یادگیری این نوع فلسفه پرداخته می‌شود.

چون خدا در قرآن فرموده:

«وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»^۱

هر کس حکمت‌دار، حکیم، پر معنا و مغزدار بشود و شناخت جهان، انسان، زمین و آسمان برای او پیدا شود دارای خیر کثیر می‌شود. بنابراین بهترین بهشت، بهشت معرفت خداست و باغبان آن هم حضرت رضا علیه السلام می‌باشد. در فصل اول این مقاله به نام «بهشت»، این توضیح آمده که اصلاً حکمت چیست که ما به حکمت «بهشت» می‌گوییم؟

دانش واقعی و موقت

در دنیای کنونی علمی مطرح است که مقدمات آن در دبیرستان خوانده می‌شود و سطح بالاتر آن در رشته‌های مختلف در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. اما اگر مفاد تمام این علوم را جمع بندی کنیم این می‌شود که یک انسان ۲۰، ۳۰ سال بخورد و بخوابد و زندگی کند، ازدواج کند و تولید نسل کند. دیگر این دانش‌ها را با خود به جهان دیگر نمی‌برد، برای

خاطر اینکه این دانش‌ها برای اینجا بود و به درد آنجا نمی‌خورد، نه فیزیک، نه ریاضی و ... این دانش‌ها، دانش واقعی نیستند بلکه موقت هستند و برای ۲۰، ۳۰ سال به درد می‌خورند. انیشتین‌های جهان که مافوق تخصص‌ها را دارند، آن موقعی که می‌خواهند جان‌شان را از دست بدهند با یک آهو و اسبی که در حال مرگ هستند هیچ فرقی ندارند و با خودشان چیزی نمی‌توانند ببرند. آن آهو دوندگی‌اش را می‌گذارد و یک جسم بی روح می‌شود و می‌افتد. آقای انیشتین هم تمام دانش‌هایش از بین می‌رود و آنقدر ضعیف می‌شود که باید اکسیژن در بینی او بگذارند تا بتواند مقداری نفس بکشد تا از دنیا برود.

اما علم کثیر و خیر کثیری که بهشت و نمایش بهشت است چیز دیگری است که در خانه امام رضا علیه السلام فراهم می‌شود. کتاب آن قرآن، و اساتید و معلمانش هم ائمه ما هستند. آنها به بشر یاد می‌دهند که ای بشر! تو چگونه پیدا

شدی، چگونه زندگی می‌کنی و در آخرت چه پیش آمدهایی در انتظار توست، مهیای آنها باش. این دانش‌های دنیایی را داشته باش اما بدان که اینها با تو آمدنی نیستند. همان طوری که استخوان تو زیر خاک می‌رود دانش تو هم از بین می‌رود. بنابراین تو برای ابدیت خلق شدی اما علمی که بدست آوردی برای ۲۰، ۳۰ سال به درد می‌خورد. نیروهای تو مثل نیروی یک اسب خوب و قوی است که برای ۲۰ سال خوب است اما بعد که پیر شد در کناری گذاشته می‌شود تا بمیرد. تمام دانشمندان جهان هم عاقبت‌شان بیمارستان و زیر دستگاه اکسیژن رفتن و مرگ است.

ائمه ما نمایندگان پیامبر اسلام هستند، که در زیارت‌نامه‌های‌شان علوم را به ما تدریس می‌کنند که علوم ماندنی و نجات بخش همه افراد بشر است. در زمان دیگر ائمه، غیر از حضرت رضا علیه السلام از ترس خلفاء آدم کش و بی‌انصاف نتوانستند این علوم را پخش کنند، اما با سیاستی

که مأمون داشت و در واقع خدا کلاهی بر سر او گذاشت که این سیاست را در نظر بگیرد، درب خانه علمی امام به روی خلق باز شد و حضرت رضا علیه السلام در تلاشی که کرد مطالب زیادی را بیان نمود که ان شاء الله برای جلسه بعد از فرمایشات آیت الله جوادی آملی برای تان می خوانم.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ